

خدا و مکاشفه‌ی او
درس ۱۴ : اراده‌ی خدا
دکتر آر. سی. اسپرول

چند سال پیش ما یک برنامه‌ی رادیویی داشتیم، یک برنامه‌ی کوتاه پنج دقیقه‌ای با عنوان "از آر.سی. پیرسید"، که کل قالب این برنامه این بود که من به سؤالاتی که مردم نوشته بودند یا در طول ضبط این برنامه تماس گرفته بودند، جواب می‌دادم. و ما حساب سؤالاتی رو که مردم می‌پرسیدند، نگه می‌داشتیم و سؤال شماره‌ی یک که بیش از هر سؤالی می‌شنیدیم، این بود که چطوری می‌تونم اراده‌ی خدا رو برای زندگی بدونم؟

بسیار واضحه کسانیکه در ایمان مسیحی‌شون صادق هستند و کسانیکه درک می‌کنند خدا حاکمه و می‌خوان در اطاعت از او زندگی کنند، می‌خوان بدونن خدا از شون می‌خواه چی کار کنند. و وقتی مردم از من این سؤال رو می‌پرسند، من معمولاً یک موعظه‌ی طولانی درباره‌ی مفاهیم مختلف اصطلاح "اراده‌ی خدا" رو در کتاب مقدس بیان می‌کنم و میگم وقتی می‌خواه اراده‌ی خدا رو بدونی، من می‌خوام بدونم درباره‌ی کدوم اراده صحبت می‌کنی؟

اما قبل از اینکه به این مسائل بپردازم، اجازه بدید توجهتون رو به یک جمله جلب کنم که در کتاب تثنیه باب ۲۹، آیه‌ی ۲۹ پیدا می‌کنیم و این متنی هست که به نظرم همه‌ی ما باید اونو بدونیم، مخصوصاً وقتی با سؤال اراده‌ی خدا برای زندگی‌مون در کشمکشیم. اینطور می‌خونیم: "چیزهای مخفی از آن بیهوه خدای ماست و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ما است، تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم."

حالا جای این آیه در کتاب مقدس خیلی مهمه. کتاب تثنیه، دومین کتاب شریعت، این خلاصه‌ی کل شریعتیه که توسط موسی از طرف خدا به قوم داده شد. و در خاتمه‌ی گزارش اعطای شریعت، این متن رو پیدا می‌کنیم که بین اراده‌ی مخفی خدا و شریعت آشکار خدا تمایز قائل میشه و بیا بید دقایقی رو به اینها اختصاص بدیم.

اصلاح طلبان، مخصوصاً لوتر درباره‌ی فرق بین آنچه "دیوس اَبسکاندیتوس" و "دیوس رولاتوس" نامیده میشه، صحبت می‌کنند. خب، ما درباره‌ی این از یک دیدگاه دیگه صحبت کردیم و گفتیم با توجه به محدودیت‌های دانش ما از خدا، ما دانش جامعی درباره‌ی خدا نداریم.

درباره‌ی غیرقابل درک بودن خدا صحبت کردیم و گفتیم خدا همه‌ی چیزهایی رو که میشد درباره‌ی او یا اهدافش برای دنیا دونست، برامون آشکار نکرده، و به یاد میاریم که اینها

نامکشوفند. مخفی بودن خدا "دیوس آپسکاندیتوس" نامیده میشه یعنی خدا از اون فرار کرده و از ما مخفی کرده.

ولی همزمان ما کاملاً در تاریکی رها نشدیم که در جستجوی درک خودمون از خدا باشیم. اینطور نیست که خدا در واقع فرار کرده و کاملاً خودش رو مخفی کرده و چیزی رو دربارهی خودش برای ما آشکار نمی‌کنه. بلکه برعکس، چیزی هست که لوتر به اون به عنوان "دیوس رولاتوس" اشاره می‌کنه، یعنی بخشی از خدا که او آشکارش کرده.

حالا، بیایید اون رو اینجا در این متن ضمیمه کنیم: "چیزهای مخفی از آن بیهوه خدای ماست". این به چیزی اشاره می‌کنه که اراده‌ی مخفی خدا می‌نامیم. حالا معمولاً وقتی دربارهی اراده‌ی مخفی خدا صحبت می‌کنیم، اراده‌ی قطعی خدا رو در ذهن داریم، و وقتی مردم به من میگن: "اراده‌ی خدا برای زندگیم چیه،" میگم: "یادت باشه که کتاب مقدس از کاربردهای مختلف کلمه‌ی "اراده‌ی خدا" به طریق‌های مختلف و متعدد استفاده می‌کنه.

اولین طریقی که دربارهی اراده‌ی خدا صحبت می‌کنیم، چیزیه که اراده‌ی قطعی می‌نامیم، و اراده‌ی قطعی خدا، اراده‌ی ایه که خدا به وسیله‌ی اون هرچی رو که اراده کرده، با حاکمیتش به انجام میرسونه. گاهی اوقات به اون اراده‌ی مطلق خدا می‌گن؛ گاهی اوقات فقط اراده‌ی حاکم خدا نامیده میشه؛ گاهی اوقات در الهیات اراده‌ی ثمربخش خدا نامیده میشه، و معمولاً ما دربارهی اراده‌ی قطعی خدا صحبت می‌کنیم. یعنی وقتی خدا با حاکمیت حکم می‌کنه که چیزی باید انجام بشه، اون باید انجام بشه.

کتاب مقدس بارها دربارهی رأی پیشین و مصمم خدا صحبت می‌کنه که وقتی از ازل حکم کرد مسیح باید در زمان خاصی از تاریخ روی صلیب در اورشلیم بمیره، این باید انجام بشه. این از طریق رأی قطعی یا اراده‌ی خدا انجام میشه. در هنگام صحبت از اراده‌ی قطعی خدا، در واقع دربارهی این صحبت می‌کنیم. اون اراده‌ای که خدا به وسیله‌ی قدرت محض حاکمیتش انجام میده. این مقاومت ناپذیره؛ باید اتفاق بیفته.

وقتی خدا گفت دنیا به وجود بیاد، اون به وجود میاد. نمیتونه آغاز نشه، روشنایی نمیتونه نیاد، وقتی خدا میگه: "روشنایی بشود." این اراده‌ی قطعی خداست. حالا ما دربارهی اراده‌ی امری خدا هم صحبت می‌کنیم. و درک می‌کنیم که همیشه با اراده‌ی قطعی خدا مقابله کرد.

ما نه تنها می‌تونیم با اراده‌ی امری خدا مقابله کنیم، بلکه همیشه با اون مقابله هم میشه. اراده‌ی امری خدا، مرجعی برای شریعت خدا و فرامین اوست. این اراده‌ی خداست که شما خدای دیگری

غیر از او نداشته باشید. حالا وقتی مردم با من تماس می‌گیرند و می‌گن: "چطوری می‌تونم اراده‌ی خدا رو برای زندگی‌م بدونم،" می‌خوام به اون‌ها بگم: "درباره‌ی کدوم اراده صحبت می‌کنی؟ درباره‌ی اراده‌ی قطعی خدا صحبت می‌کنی؟ درباره‌ی اراده‌ی مخفی خدا صحبت می‌کنی؟"

اگه درباره‌ی اراده‌ی مخفی خدا صحبت می‌کنی، اولین چیزی که باید درباره‌ی اراده‌ی مخفی خدا بدونی، اینه که اون مخفیه. "و وقتی مردم به من می‌گن، میدونی،" خدا از من می‌خواد در این موارد چی کار کنم؟" من میگم: "من از کجا بدونم؟ من الهیات می‌خونم، ذهن خدا رو که نمی‌خونم. تنها کاری که می‌تونم بکنم اینه که کلام خدا رو بخونم و کلام خدا اراده‌ی مکشوفش رو به من میده و این برای من کافیه تا تمام عمرم مشغول درک همه‌ی چیزهایی بشم که خدا در این کتاب آشکار کرده."

و اگه در این مورد از من می‌پرسی، می‌تونم کمکتون کنم، اما اگه درباره‌ی اراده‌ی مخفی او از من سؤال می‌کنی، راستش از شخص اشتباهی سؤال می‌کنی، چون من هیچ ایده‌ی زمینی ندارم که بدونم در جاییکه خدا خودش رو آشکار نکرده، در ذهنش چی می‌گذره."

حالا، کالون در این مقطع نظرش رو گفته. او میگه: "وقتی خدا دهان مقدسش رو می‌بنده، من از پرسیدن دست خواهم کشید." این رو دوباره بگید، وقتی خدا دهان مقدسش رو می‌بنده، من از پرسیدن دست خواهم کشید. حالا اگه بخوایم اون رو با اصطلاحات امروزی ترجمه کنیم، چنین چیزی رو می‌گیم: اراده‌ی مخفی خدا به تو ربطی نداره."

برای همین مخفیه. حالا، این یک چیز شگفت‌انگیزه و یکی از مُحسناته که بخواید بدونید خدا ازتون چی می‌خواد. می‌دونید. شاید او یک نقشه‌ی مخفی برای زندگی‌تون داشته باشه که قطعاً به شما ربطی نداره، اما شاید همزمان شما رو رهبری کنه و مسیرتون رو هدایت کنه. دوباره، اشتباه نیست که به دنبال چیزی باشیم که تنویر روح القدس یا رهبری خدا در زندگی‌مون می‌نامیم."

و معمولاً وقتی مردم با من تماس می‌گیرند، نگران این هستند. اون‌ها سعی نمی‌کنند طالع‌بینی کنند، یعنی چیزهایی که در کتاب مقدس منع شده. بلکه ما این اشتیاق غیر الهی رو داریم که می‌خوایم آینده رو بدونیم. می‌خوایم پایان رو از ابتدا بدونیم و این به ما ربطی نداره. این به خدا مربوطه و قرار نیست ما پایان رو از ابتدا بدونیم و برای همین خدا به شدت در کتاب مقدس برعلیه کسانی که سعی می‌کنند به طریق‌های نامشروع، مثل تخته‌ی احضار ارواح، طالع‌بین‌ها،

ورق‌های فالگیری و این جور چیزها، به آینده پی ببرند، به شدت هشدار می‌دهد. این چیزها برای ما مسیحیان ممنوعه.

اما کتاب مقدس درباره‌ی هدایت خدا چی می‌گه؟ اگه ما در تمامی طریق‌هامون خدا رو در نظر بگیریم، چی میشه؟ او مسیرمون رو هدایت می‌کنه. اما همه چیز به مفهوم در نظر گرفتن خدا برای مسیری برمی‌گرده که کتاب مقدس ما رو تشویق می‌کنه اراده‌ی خدا رو برای زندگی‌مون بیاموزیم و این نه با تمرکز بر اراده‌ی امری، ببخشید، نه با تمرکز بر اراده‌ی قطعی خدا، بلکه با تمرکز بر اراده‌ی امری خداست.

اگه می‌خواید بدونید اراده‌ی خدا برای زندگی‌تون چیه، اجازه بدید بگم که کتاب مقدس چی می‌گه. کتاب مقدس می‌گه این اراده‌ی خدا برای شماست: تقدیستون رو کامل کنید، می‌گید: "من این رو می‌دونستم، من می‌خوام بدونم که باید این شغل رو در کلیولند یا سنداسکی یا سن فرانسیسکو قبول کنم یا باید با چین یا مارتا یا هلن ازدواج کنم یا نه؛ در اینجا اراده‌ی خدا برای من چیه؟" می‌گم: "خُب، اراده‌ی خدا برای تو تقدیس توست." و اون‌ها می‌گن: "یک لحظه صبر کن. صدای تو مثل صفحه گرامافون خرابه. من بهت گفتم که اینو می‌فهمم، اما می‌خوام بدونم که آیا باید این کار رو در اوهایو یا کالیفرنیا قبول کنم یا نه، آیا باید با این دختر، اون دختر یا این دختر ازدواج کنم یا نه؟"

من گفتم: "اجازه بده بهت بگم که باید با کدوم یکی از اون دخترها ازدواج کنی، اگر قراره با یکیشون ازدواج کنی، و کدوم شغل رو قبول کنی، اگه قراره یکیشون رو قبول کنی. کار تو اینه که با دقت اراده‌ی امری خدا رو مطالعه کنی؛ تو شریعت خدا رو مطالعه می‌کنی و اصولی رو یاد می‌گیری که باید مطابق اون‌ها روز به روز زندگی کنی." چرا مزمورنویس می‌گه مرد دیندار روز و شب در شریعت تفکر می‌کنه؟ "خوشابحال کسیکه به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزاکنندگان ننشیند؛ بلکه رغبت او در شریعت خداوند است."

رغبت او این‌جاست، بر اراده‌ی امری خداست، و در این شریعت روز و شب تفکر می‌کنه و این شخص مانند "درختی نشانده نزد نهرهای آب خواهد بود، که میوه خود را در موسمش می‌دهد... شریران چنین نیستند، بلکه مثل کاهند که باد آن را پراکنده می‌کند."

حالا دوباره اگه می‌خواید بدونید چه شغلی رو قبول کنید، باید بر این اصول مسلط بشید و شاید مثلاً متوجه بشید که اراده‌ی مکشوف خدا به شما می‌گه باید یک تجزیه و تحلیل هشیارانه از عطایا و استعدادهاتون داشته باشید. و بعد به این شغلی که به شما پیشنهاد شده، نگاه می‌کنید.

تجزیه و تحلیل هشیارانه از چی؟ از شرایط مورد نیاز این شغل، و با هدایت خدا متوجه می‌شید که شرح وظایف این شغل به طور هشیارانه مطابق عطایای شما نیست، پس چی کار می‌کنید؟ اراده‌ی خدا چیه؟

اراده‌ی خدا اینه که اون رو قبول نکنید. اراده‌ی خدا اینه که به دنبال چیز دیگه‌ای باشید. اراده‌ی خدا اینه که حرفه و خواندگیتون با فرصت‌های شغلیتون هماهنگ باشه. حالا این خیلی بیشتر از کشیدن تخته‌ی احضار ارواح دورِ میز کار داره. یعنی شریعت خدا رو دقیقاً در تمام امور مختلف زندگی بکار ببرید.

حالا، در مورد اینکه با کدوم زن ازدواج کنم، چی بگیم؟ خُب، به همه‌ی چیزهایی که کتاب مقدس درباره‌ی ازدواج میگه، نگاه کنید. همه‌ی چیزهای مورد نیاز کتاب مقدس در رابطه با برکت خدا در ازدواج، و بعد شاید متوجه بشید که شما سه تا خانم رو در نظر دارید، همه‌ی اون‌ها مطابق شرایط مورد نیاز کتاب مقدس هستند. پس باید با کدوم یکی ازدواج کنید؟

پاسخش راحت. تو می‌خوای با کدوم ازدواج کنی؟ چون تا زمانیکه همه‌ی اون‌ها در اراده‌ی فرمایشی خدا تأیید میشن، شما آزادی که تحت حاکمیت خدا کاری رو که می‌خواید بکنید.

شما در اینجا آزادی کامل دارید که بر اساس چیزی عمل کنید که شما رو خشنود می‌کنه و لازم نیست به خاطر دریافت اراده‌ی خدا بی‌خوابی بکشید. چون اگه اینجا نگران اراده‌ی مخفی خدا هستید و می‌گید: "آیا من در مرکز اراده‌ی خدا هستم؟ آیا اراده‌ی مخفی خدا رو نگه می‌دارم؟"

اگه اراده‌ی قطعی خدا رو درخواست می‌کنید، پس نمی‌تونید خارج از اراده‌ی قطعی خدا باشید. اما دوباره، این به شما ربطی نداره و تنها طریقی که می‌تونید از اراده‌ی مخفی خدا برای امروزتون آگاه بشید، اینه که تا فردا صبر کنید و فردا به وضوح به شما نشون میده اراده‌ی مخفی خدا برای امروزتون چی بود.

اما شما فردا متوجه نمی‌شید که اراده‌ی مخفی خدا برای پس فردای شما چیه، چون اون اراده‌ی مخفی خداست. و دوباره، ما می‌خوایم اراده‌ی خدا رو برای آینده بدونیم، وقتی تأکیده‌های کتاب مقدس بر اراده‌ی خدا برای ما در زمان حاله، و این به فرامین او مربوط میشه.

دوباره، بیایید به تثنیه ۲۹:۲۹ برگردیم: "چیزهای مخفی از آن بیهوده خدای ماست". حالا وقتی میگم این‌ها به شما ربطی نداره، نمی‌خوام گستاخی کنم، بلکه چیزی که با اطمینان می‌تونیم بگیم، با قطعیت می‌گیم که اینها به شما تعلق ندارند. اون‌ها به خدا تعلق دارند و چیزی که از این لحاظ

به خدا تعلق داره، به شما تعلق نداره و به من تعلق نداره. برای همین این‌ها به ما ربطی ندارند، چون دارایی ما نیستند؛ این‌ها مال خدا هستند.

اما چیزهای مکشوف از آن ماست، پس خدا از اسرار بعضی از نقشه‌ها و خواسته‌های مخفی ذهنش پرده برداشته. او حجاب رو برداشته. مکاشفه اینه. مکاشفه خارج شدن از مخفیگاهه، آشکار کردن چیزیه که مخفی بود. و حالا خدا خشنوده که این برکت وصف ناپذیر رو به قومش بده و با ما قسمت کنه، نه از لحاظ انتقال اطلاعات. و ما از اصطلاح "قسمت کردن" از این لحاظ استفاده می‌کنیم که اگه من شهادتم رو اعلام کنم، میگم: "بذار چیزی رو با تو قسمت کنم یا در میون بذارم،" و بعد دیدگاهم رو قسمت می‌کنم، چیزی که شاید شما از ابتدا بخواید یا نخواید که قسمت کنید- به هر حال در بازار معاملات، هیچ کس سرمایه‌گذاری زیادی روی اون نمی‌کنه. اما به هر حال، وقتی خدا دانشش رو با ما قسمت می‌کنه، یعنی از لحاظ دادن، اون رو قسمت می‌کنه، اجازه میده یک نفر دیگه در اون شرکت کنه و اونو استفاده کنه، پس خدا چیزی رو به ما میده که به شایستگی به خودش تعلق داره.

این دانش که از طریق مکاشفه به ما تعلق داره، دوباره به شایستگی به خدا تعلق داره، اما خدا میگه: "بفرمایید، این مال شماست. من اون رو به شما میدم." و نویسندگی تثنیه این‌جا این رو میگه؛ موسی میگه چیزهای مخفی از آن خداست، اما چیزهایی که مکشوف کرده، از آن ماست و نه تنها ما، بلکه برای ذریت ما یا فرزندان ماست.

حالا به کتاب تثنیه برگردید و ببینید چقدر موسی نگران این دارایی مبارک وصف ناپذیره، این دارایی دانشی که خدا از ذهن خودش برداشته و به قومش داده، نه تنها به ما، بلکه به فرزندان ما داده و در اینجا اولویت انتقال اون به فرزندانمون، یکی از تأکیدهای اصلی این کتابه. و دوباره، چرا؟ تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم.

دوباره می‌بینید که اراده‌ی مکشوف خدا در اراده‌ی امری و از طریق اون اعطا شده و این مکاشفه داده شده که ما کاری بکنیم و مطیع باشیم. حالا، اجازه بدید پیش زمینه‌ای رو که گفتم، یادآوری کنم. من با بیان این مطلب شروع کردم که این تماس‌های تلفنی و نامه‌ها رو از مردم دریافت می‌کنم که می‌گن: "چطوری می‌تونم اراده‌ی خدا رو برای زندگی بدونم؟" چرا اون‌ها تماس نمی‌گیرن که بگن: "من چطوری می‌تونم شریعت خدا رو بدونم؟"

مردم با من تماس نمی‌گیرن که بپرسند: "چطوری می‌تونم شریعت خدا رو بدونم،" چون اون‌ها می‌دونند چطوری می‌تونن شریعت خدا رو بدونند. اون‌ها فقط به کتاب مقدس نگاه می‌کنند.

اون‌ها می‌تونند که فقط شریعت خدا رو مطالعه کنند. اما این سؤال شماره‌ی یک نیست که از من می‌پرسند؛ در واقع، هیچ‌کسی این رو نمی‌گه: "که من چطوری می‌تونم شریعت خدا رو بدونم"، چون این به وضوح آسونه.

حالا، این سؤال متفاوتی بود که یک نفر بگه: "چطوری می‌تونم شریعت خدا رو انجام بدم"، و بعضی‌ها نگران این هستند، هرچند که خیلی زیاد نیستند. اما دوباره، چیزی که اکثر مردم با این کلام می‌پرسند، اینه که: "من چطوری اراده‌ی خدا رو بدونم؟" اون‌ها درباره‌ی آگاهی از آینده می‌پرسند که مخفیه. و اگه می‌خواید اراده‌ی خدا رو از این لحاظ بدونید که خدا چه چیزی رو تأیید می‌کنه، از چی خشنوده، در چه چیزی شما رو برکت میده، دوباره این به اراده‌ی امری برمی‌گرده که واضحه، و اون هم شریعت خداست.

و شما می‌گید: "خب، یک لحظه صبر کن. ما در عهدجدید زندگی می‌کنیم؛ شریعت در عهد عتیقه." باید بگم که این یکی از دیدگاه‌های اصلی یا ارزش‌های اصلیه که شریعت عهدعتیق برای مسیحی عهدجدید داره. اینکه هر چیز دیگه‌ای که شریعت برای اون کاربرد داره- و ظاهراً بخش‌هایی از شریعت عهدعتیق برای مسیحی عهدجدید کاربردی نداره، ما این رو درک می‌کنیم- اما یادتون باشه که در عهدعتیق، شریعت، شخصیت خدا رو آشکار می‌کنه و شریعت به قوم خدا آشکار می‌کنه که چه چیزی خدا رو خشنود می‌کنه.

پس به عنوان مسیحی عهدجدید، وقتی سعی می‌کنم بفهمم چی خدا رو خشنود می‌کنه، شریعت عهدعتیق رو مطالعه می‌کنم، هرچند بعضی از اون قوانین در عهدجدید تکرار نشده، آشکار شدن شخصیت خدا در عهدجدید ادامه پیدا می‌کنه و این خیلی ارزشمنده که من شریعت رو به عنوان چی دارم؟ چراغی برای پاهام، و نوری برای راه‌هایم.

پس دوباره، اگه به دنبال پیدا کردن راهم هستم و در تاریکی جستجو می‌کنم و می‌خوام اراده‌ی خدا رو برای زندگیم بدونم و به چراغی نیاز دارم که به من نشون بده باید کجا برم، اگه به نور نیاز دارم که به من مسیرم رو نشون بده که در کجا قدم بذارم، این کجاست؟ این در شریعت خداست، این در اراده‌ی امری خداست.

دوباره، "چیزهای مخفی از آن بیهوه خدای ماست و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ما است." چرا؟ تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم. اراده‌ی خدا اینه که ما از هر کلامی که از دهان او خارج میشه، اطاعت کنیم.